

نقد و معرفی کتاب

جواهر العقود، منبعی ارزشمند برای تاریخ اجتماعی

مریم حقی^{۵۲۱}

فقط تراجم و تواریخ سیاسی، منبع اطلاعات تاریخی نیستند؛^{۵۲۲} در این مقاله با کتابی به نام «جواهر العقود» آشنا می‌شوید که در قرن نهم در مصر نوشته شده و با آن که در اصل، راهنمای نامه‌نگاری و تنظیم اسناد است، اما آکنده از اطلاعاتی کم‌یاب، به‌ویژه دربارهٔ نهادهای وقفی است. اکنون شصت سال از چاپ دستنویس جواهرالعقود می‌گذرد و برخی از پژوهشگران فقه و حقوق به آن توجه کرده‌اند،^{۵۲۳} اما هنوز ناگفته‌های بسیاری برای تاریخ‌نگاران دارد.

نگاهی به جواهر العقود

جواهرالعقود، کتابی عربی و دو جلدی است. نام کامل آن «جواهرُ العقود و معینُ القضاةِ و

^{۵۲۱} کارشناس ارشد تاریخ اسلام از دانشگاه تهران، Maryam.hk@gmail.com

^{۵۲۲} برای دیدن نمونه‌های متنوعی از اطلاعاتی تاریخی که در منابع غیرتاریخی یافت شده، ر.ک.: احمد پاکتچی، مجموعه درس‌گفتارهایی دربارهٔ روش‌شناسی تاریخ، تنظیم و ویرایش: صالح زارعی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲، ص ۲۷-۳۵.

^{۵۲۳} اگر نام این کتاب و مؤلفش را با حروف انگلیسی (Jawahir al- 'uqud , al-minhaji al-usyuti) در نت جستجو کنید می‌بینید که پژوهش‌های بسیاری در غرب منتشر شده که نام جواهرالعقود در میان منابع آن است. اما اغلب آن‌ها در زمینهٔ حقوق هستند، مانند این کتاب که راجع به حقوق دریایی در تاریخ اسلام است و در آن چندین بار به جواهرالعقود استناد شده است:

Khalilie, Hassan, *Islamic maritime law*, Brill, Leiden, Boston, Koln, 1998.

المُوقَّعِينَ وَ الشُّهُودِ» است که می‌توان آن را چنین ترجمه کرد: «گوهر عقدنامه‌ها: راهنمای قاضیان، امضاکنندگان و گواهان». نویسنده آن شمس‌الدین احمد بن محمد منهاجی اسیوطی یا اسیوطی، فقیهی شافعی‌مذهب و علاقه‌مند به تاریخ و ادبیات در مصر مملوکی بوده است. منهاجی در مقدمه، کتاب خود را اثری بی‌سابقه می‌داند که در اوج زیبایی‌های زبانی، حکم هر چهار مذهب را بیان کرده است و اگر بزرگان فقه و ادب بودند، به او آفرین می‌گفتند.

جواهرالعقود، به شیوه کتاب‌های فقهی سنی فصل‌بندی شده و امروزه نیز از منابع فقه به شمار می‌رود. اما دو بخش آن از دید تاریخ اجتماعی دارای اطلاعات خاص‌تری است: بخش اوقاف و بخش نامه‌نگاری.

منهاجی، برای تنظیم هر نوع سند - از اجاره‌نامه تا وصیت‌نامه - دستورالعملی دقیق و با مثال آورده؛ به عبارت دیگر، نمونه‌ای فرضی و درخور از هر سند ذکر کرده است تا الگویی برای سندنویسان باشد. او این نمونه‌ها را «صورت» می‌خواند که می‌توان آن را با «فرم»های امروزی مقایسه کرد.

جالب‌ترین صورت‌ها، صورت‌های اوقات‌اند عبارت‌اند از: صورت وقف مسجد، مدرسه، بیمارستان شاهی، خانقاه مردان، خانقاه بانوان، زاویه برای بی‌نویان، رباط برای بی‌نویان یا بانوان سالمند، آب‌خوری و غذاخوری بین راه، قبر و جز آن برای فرزندان، وقف برای خود، وقف از روی نیکی، وقف برای قاریان قرآن، حدیث‌خوانان، سادات، مجاوران مکه و مدینه و قدس، وقف برای برگزاری جشن میلاد پیامبر(ص) و...^{۵۲۴}

البته باید توجه کرد که همه این صورت‌ها، نمونه‌های واقعی نیستند؛ اما از آن جا شکل آرمانی سندهای موجود بوده‌اند و قرار بوده است که راهنمای آینده باشند، می‌توانند بازتاب آداب و هنجارهای روزگار خود به شمار آیند. برای مثال، وقتی که منهاجی برای وقف‌نامه

^{۵۲۴} ترجمه از نگارنده است. اینک اصل عبارت‌ها: صورَةُ وَقْفِ بيمارستان رَبَّهٔ بَعْضُ الْمُلُوكِ لِمَرْضَى الْمُسْلِمِينَ، الْخَانِقَاهُ لِلصَّوْفِيَةِ الرَّجَالِ، خَانِقَاهُ بِرِسْمِ النِّسَاءِ، الرِّبَاطُ عَلَى الْفُقَرَاءِ أَوْ الْعَجَازِ، حَوْضٌ لِلسَّبِيلِ، خَانٌ لِلسَّبِيلِ، وَقْفُ الْإِنْسَانِ عَلَى نَفْسِهِ، وَقْفُ عَلَى الْوَجْهِ الْبَرِّ وَ الْقُرْبَاتِ، الْوَقْفُ عَلَى قُرَاءِ سَبْعِ الشَّرِيفِ، عَلَى قَارِيءِ الْحَدِيثِ النَّبَوِيِّ، الْوَقْفُ عَلَى الْإِشْرَافِ، الْمَجَاوِرِينَ بِالْحَرَمِ الشَّرِيفِ الْمَكِّي أَوْ الْمَدَنِيِّ أَوْ بَيْتِ الْمَقْدِسِ، عَلَى قِرَاءَةِ الْمَوْلِدِ الشَّرِيفِ النَّبَوِيِّ وَ...

جواهر العقود، منبعی ارزشمند برای تاریخ اجتماعی ۲۰۷

سرای سالمندان نمونه می‌آورد، یعنی چنین پدیده‌ای وجود داشته و برای مخاطب آشنا بوده است. اینک چند نکته جالب از جزئیاتی که وی در این صورت‌ها آورده است:^{۵۲۵}

- مقرر کنند که در بیمارستان چهار حکیم طبایعی (درمان بر اساس مزاج‌ها)، چهار حکیم جراحی (جراح) و چهار حکیم کَحَال (چشم‌پزشک) باشد و هر یک، صبح و شب به بیمارستان برود. سپس وظیفه و حقوق هر یک را با جزئیات شرح داده است.

- خانقاه بانوان، وقف زنان سالمند و اهل عبادت بسیار باشد. شیخ، عالم، پیشخدمت، آشپز، رخت‌شو، خانقاه،^{۵۲۶} زن باشند. وظیفه هر یک با جزئیاتی مانند شستن و پهن کردن لباس، نوع گوشت غذاها، پختن شیرینی در نیمه شعبان و ليله الرغائب، نشستن عالم روی صندلی و... آمده است.

- در وقف برای «اشراف» (=سادات)، توضیح داده که منظور او فرزندان پیامبر(ص) از نسل دو امام شهید، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) است،^{۵۲۷} ولی مثال نزده که مورد وقف (موقوفه) چه می‌تواند باشد.

- در وقف آبخوری، سخن از عمارتی برای نوشیدن آب، وضو، حمام، لباس‌شویی، ظرف‌شویی، آب دادن به حیوانات است. گفته که باید ذکر کنند که قرار است از کدام قنات آب بکشند، پول روغن چراغ و حقوق لایه‌روب، نظافت‌چی، ساقی‌ها چقدر باشد و...

و اما بخش نامه‌نگاری (در جلد دوم)؛ منهجی در این بخش شیوه نوشتن نامه‌های رسمی و خطاب کردن افراد (از پادشاه تا بازاری) را شرح داده و تقسیم‌بندی جالب‌توجهی از سلسله‌مراتب پیشه‌ها و پُست‌های گوناگون ارائه کرده است. این بخش بسیار شبیه به برخی از مُنشآت است که جنبه آموزشی دارند؛ مانند منشآت سلیمانی و وجیزه‌التحریر که در قرن

^{۵۲۵} ترجمه از نگارنده است.

^{۵۲۶} عبارت عربی: شیخه، عالمه، قائمه، طبّاحه و غسّاله.

^{۵۲۷} «المنتسبین إلی السیدین الإمامین السعیدین الشهیدین: أبی محمد الحسن و أبی عبد الله الحسین ولدی الإمام الطاهر الأئزاع أميرالمؤمنین علی بن أبی طالب رضی الله عنه».

جواهر العقود منهجی در فرهنگ‌نامه‌ها

منهجی‌اسیوطی آوازه‌ای ندارد و شاید اگر یکی از معاصرانش او را معرفی نکرده بود، همین اطلاعات اندک را هم درباره او نداشتیم.^{۵۲۹} سخاوی، مورخ مشهور قرن نهم، منهجی را در مکه و قاهره دیده و در کتاب *الضوء اللامع لأهل القرن التاسع*، تحت عنوان «محمد بن احمد... الشمس الاسیوطی ثم القاهری، الشافعی، المنهجی»، اطلاعاتی را درباره تولد، تحصیلات و استادان او (از جمله ابن حجر عسقلانی) آورده که برخی را از خود وی شنیده

^{۵۲۸} ر.ک.: *منشآت سلیمانی* (تألیف دبیران دبیرخانه شاه سلیمان صفوی)، تصحیح: رسول جعفریان، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۱۳-۱۴ (مقدمه مصحح) و همچنین: محمدبن سبزی علی اصفهانی، *وجیزه التحرير (در چگونگی تنظیم اسناد شرعی، ملی و حقوقی در دوره صفوی و قاجار)*، مصحح: رسول جعفریان، قم، نشر مورخ، ۱۳۹۴. همچنین درباره سنت منشآت‌نویسی و آموزش فنون نامه‌نگاری در زبان فارسی، ر.ک.: ریوکو واتابه، «پژوهشی در ساختار مجموعه‌های منشآت دبیری و تحول آیین‌های نگارش در دوره مغول»، کتاب *ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۳۲، خرداد ۱۳۷۹ (ویژه‌نامه منشآت)، ص ۲۹ و درباره تأثیر ایرانیان در سنت نامه‌نگاری در زبان عربی، ر.ک.: سیدابوالقاسم فروزانی، «التوسل الی الترسل: مجموعه‌ای گرانقدر از منشآت بهاء‌الدین محمد بغدادی»، همان، ص ۱۳.

^{۵۲۹} قاضی ابن‌شهبه نیز معاصر اوست (د. ۸۵۱) اما در کتاب *طبقات الشافعیه* نامی از وی نبرده است. همچنین در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، مدخل *اسیوطی* یا *جواهرالعقود* وجود ندارد (حرف میم - منهجی - هنوز چاپ نشده است). در *معجم الفقهاء* از جعفر سبحانی نیز نامی از وی نیست. همچنین در فهرست منابع و مآخذ آثار زیر نیامده است: *تاریخ خانقاه در ایران* از دکتر کیانی که حدود ۲۰۰ منبع دارد؛ مجموعه مقالات دایره‌المعارف بزرگ اسلامی که در کتابی جداگانه به نام *اسلام: پژوهشی تاریخی و فرهنگی* منتشر شده است؛ *قلندریه* در تاریخ از استاد شفیع کدکنی؛ مدخل *خانقاه* در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و... جستجوی عنوان *جواهر العقود* در سایت نورمگز (مجلات ایران) نیز بی‌نتیجه بود.

جواهر العقود، منبعی ارزشمند برای تاریخ اجتماعی ۲۰۹

است. او می‌نویسد که وی در سال ۸۱۳ یا ۸۱۰ در شهر «اسیوط» مصر^{۵۳۰} زاده شده و درس خوانده، سپس به شام سفر کرده، مدتی را در مکه گذرانده و سرانجام در قاهره ساکن شده است. سخاوی از آثار او، تنها نام کتاب «جواهرالعقود و معین القضاة و الموقّعين و الشهود» را ذکر می‌کند. همچنین می‌گوید که وی بابت نظم و نشر نیرومندش و جنگ‌های ادبی و تاریخی‌ای که گردآورده بود (مجامیع فی الادب و التاريخ)، بسیار ستوده می‌شد؛ اما متهم به گراف‌گویی بود (ولکنه یرمی بالمجازفة) و در «شهادت» معتبر نبود؛ از این‌رو در مکه به وی توهین شد.

حاجی خلیفه نیز در کتاب کشف الظنون، جواهرالعقود را به شمس‌الدین «سیوطی» نسبت داده و به سخن سخاوی اشاره کرده است.^{۵۳۱} اما سرکیس، ذیل «السیوطی، شمس‌الدین» نامی از جواهرالعقود نیاورده و تنها درباره کتاب «اتحاف الأخصا» صحبت کرده است.^{۵۳۲} زرکلی، ذیل «المنهاجی»، از او نام برده و شش اثر را منسوب به او دانسته: جواهرالعقود، اتحاف الأخصا بفصائل المسجد الأقصى،^{۵۳۳} تحفة الظرفاء،^{۵۳۴} هداية السالك الى أوضح المسالك، فضائل الشام

^{۵۳۰} شهری در غرب نیل که زادگاه فلوطین فیلسوف، قدیس یوحنا، جلال‌الدین سیوطی و... بوده است. ر.ک.: محمدرضا ناجی، «اسیوط»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۷۳۳-۷۳۶.

^{۵۳۱} ملا کاتب چلبی، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، چاپ اول، ۱۳۱۱ هـ.ق، جلد اول، ص ۴۰۹.

^{۵۳۲} یوسف الیان سرکیس، معجم المطبوعات العربیة و المعرّبة، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰هـ.ق (افست)، ج ۱.

^{۵۳۳} انتساب این کتاب به جلال‌الدین سیوطی رد شده است (به خاطر عدم مطابقت تاریخ زندگی جلال‌الدین با حوادث کتاب)، ر.ک. شهاب‌الله بهادر، معجم مألّف فی فضائل و تاریخ المسجد الاقصی، مرکز جمعه ماجد للثقافة و التراث، دبی، امارات متحده عربی، ۲۰۰۹ م، ص ۱۲۷-۱۴۰. همچنین نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران موجود است که در توضیحات نسخه، کتاب به شمس‌الدین سیوطی نسبت داده شده است.

^{۵۳۴} ظاهراً منظور کتاب تحفة الظرفاء باخبار الخلفاء است که به جلال‌الدین سیوطی نیز نسبت داده می‌شود.

۲۱۰ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

و التذکرۃ المنهاجیة (که می‌گوید جزئی از آن را با خط خود منهاجی دیده است).^{۵۳۵} ولی عمّر کَحَالِه، با آن که کتاب مُعْجَمُ الْمُؤَلَّفِین را پس از اَعْلَامِ زَرکَلِی نوشته، تحت عنوان «محمد المنهاجی»، تنها چهار اثر نخست را به وی نسبت داده است.^{۵۳۶}

تصحیح و چاپ‌های جواهر العقود

در گشت اول در اینترنت، تصوّر می‌شود که جواهرالعقود چندین چاپ با پدیدآورانی گوناگون دارد: چاپ قاهره، عربستان، دارالکتب، دارالیوسف، دارالمکیة و... اما در برخورد نزدیک، معلوم می‌شود که اصل کار، یکی است...

الف. چاپ قدیم؛ نخستین بار در سال ۱۹۵۵م جواهرالعقود از روی چند نسخه خطی در مصر، تصحیح و چاپ شده است. چاپ اول، ظاهراً نایاب است؛ اما چاپ دوم در برخی کتابخانه‌ها موجود است. معمولاً محل و تاریخ چاپ دوم را قاهره و ۱۹۵۵ می‌شمارند.^{۵۳۷} اما این تاریخ، احتمالاً از امضای مصحح در پایان مقدمه برداشت شده و ممکن است تاریخ چاپ اول باشد.

من نسخه‌ای از آن را در کتابخانه تخصصی فقه و اصول در شهر قم دیده‌ام. دوجلدی است و در صفحه دوم آن نوشته شده: «الطبعة الثانية. طبعه مصورة على الطبعة الاولى المطبوعة على نفقة الاديب الكبير محمد سرور الصبان، وزير مالية المملكة العربية السعودية.» یعنی: چاپ دوم

^{۵۳۵} خیرالدین زَرکَلِی، الاعلام (قاموس تراجم)، بیروت، دارالعلم للملایین، الطبعة السابعة ۱۹۸۶، ج ۵، ص ۳۳۴-۳۳۵.

^{۵۳۶} عمر کَحَالِه، معجم المؤلفین: تراجم مُصَنِّفِی الکتب العربیة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، (بی تا)، ج ۷.

^{۵۳۷} مثلاً در فهرست منابع در کتاب‌های غربی ویا در فهرست کتابخانه دانشگاه نیلین مصر، به این نشانی:

<http://lib.neelain.edu.sd/cgi-bin/koha/opac-detail.pl?biblionumber=151590>

جواهر العقود، منبعی ارزشمند برای تاریخ اجتماعی ۲۱۱

أُفست از روی چاپ اول، به هزینه فلانی، وزیر مالی عربستان^{۵۳۸} سعودی.^{۵۳۹} در نسخه‌ای که من دیدم، نامی از ناشر نیامده بود (شاید روی جلد بوده و در صحافی و ترمیم از بین رفته است). اما در سایت اینترنتی «ملتقى اهل الحديث» (که کتابخانه‌ای آنلاین از منابع سنی و به‌ویژه سلفی است)، ناشر این چاپ را «مَطْبَعَةُ السُّنَّةِ المَحْمَدِيَّة» ثبت کرده‌اند^{۵۴۰} که ظاهراً همان «دارالسنة المحمدية للطباعة»، در قاهره است. اطلاعات بیشتری نیافتیم تا مطمئن شوم نخستین چاپ، حتماً در قاهره صورت گرفته است.

اما درباره نام مصحح، شک نکنید که بر خلاف آن چه در کتاب‌شناسی‌ها ثبت شده، نام او «فقی» است، و نه «فیقی». اطلاعات فهرست‌نویسان و کتاب‌شناسان از روی نامی است که با خط نستعلیق عربی نوشته شده و در آن دو نقطه «ی»، زیر حرف «ف» آمده است. اما مصحح، شخص گمنامی نیست که برای خواندن نامش به اطلاعات کتاب محدود باشیم. محمد حامد الفقی، یکی از سلفیان مشهور مصر، از مخالفان سرسخت تشیع و در عین حال از مخالفان اخوان المسلمین بوده است. او «جمعیة انصار السنة المحمدیة» را (که احتمالاً انتشارات دارالسنة المحمدیة وابسته به آن باشد) تأسیس کرده و گذشته از آثاری چون جواهرالعقود، بسیاری از آثار مهم ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم را تصحیح و چاپ کرده است.^{۵۴۱} اکنون به سراغ مقدمه می‌رویم. در ابتدای چاپ قدیم، مقدمه‌ای ده صفحه‌ای است که با بسمله آغاز می‌شود و با امضای مصحح به پایان می‌رسد. این مقدمه تحت سه عنوان نوشته شده است:

۱. پس از «بسم الله الرحمن الرحيم»، مصحح با نثری پرشور، در دو صفحه به حمد و

^{۵۳۸} به خاطر همین جمله در فهرست کتابخانه تخصصی فقه و اصول در سایت lib.ir محل چاپ این کتاب «عربستان» ثبت شده است؛ اما در واقع همان چاپ قدیم است و تفاوتی با نسخه‌هایی که در اینترنت (مثلاً در سایت المكتبة الشاملة) چاپ قاهره ثبت شده، ندارد.

^{۵۳۹} این جمله در عربی هم کژتابی دارد و تنها با خواندن مقدمه معلوم می‌شود که وزیر، علاوه بر چاپ دوم، بانی چاپ اول هم بوده است.

^{۵۴۰} www.ahlalhdeth.com/vb/showthread.php?t=108640

^{۵۴۱} ر.ک. سایت الحركات الاسلامية: islamist-movements.com/3065 و سایت رسمی انصار السنة: ansaralsonna.com

ثنای خدا و پیامبر و بیان اهمیت کتاب پرداخته و سپس ماجرای به دست آوردن نسخه خطی را برایمان تعریف می‌کند. این بخش نشان می‌دهد که او متوجه نکات تاریخی کتاب بوده است؛ زیرا می‌نویسد که این کتاب، خواننده را با افکار، خرافات، سنت‌ها، شیوه نگارش، فضای زندگی، همکاری‌ها و اوقاف مردم قرن نهم آشنا می‌کند. همچنین از این بخش به صراحت نشان می‌دهد که مصحح، سلفی و وهابی است؛ او در ادامه می‌نویسد: البته این کتاب، حاوی خرافاتی مانند بزرگداشت اعیاد جاهلی و تقدیس قبور هم هست که باعث می‌شود خواننده پی برد که این خرافات چقدر قدیمی است و تنها یک سلفی می‌تواند آن‌ها را از ریشه برکند و من (= الفقی) هر جا توانسته‌ام بر اساس آثار ابن تیمیه، ابن قیم جوزیه و محمد بن عبدالوهاب، آن را تذکر داده‌ام.

سپس داستان یافتن نسخه خطی را شرح می‌دهد: عربی بدوی در یکی از روستاهای یمن کتاب را پیچیده در پارچه پاره‌ای کهنه، به رئیس آمران معروف مکه، به نام **عبدالملک بن ابراهیم آل‌الشیخ** داده است. آل‌الشیخ نیز در موسم حج ۱۳۷۳ هـ ق نسخه را به مصحح داده و از او خواسته تا این «جواهر» را دریابد. سرانجام با کمک مالی وزیر، کتاب به چاپ رسیده است. این بخش از مقدمه، با بیتی در مدح آل‌سعود و دعا برای توفیق بیشتر آنان در خدمت به عرب‌ها، مسلمانان، سلفیان و شکست دشمنان‌شان به پایان می‌رسد.

۲. در بخش دوم، «ترجمه المؤلف»، گفته‌های سخاوی در الضوء‌اللامع را عیناً نقل کرده است.

۳. در بخش سوم با عنوان «النسخة التي اعتمدت للطبع»، به معرفی دو نسخه خطی جواهرالعقود پرداخته است:

نسخه اساس که نسخه آل‌الشیخ است، نسخه‌ای پاکیزه و تقریباً کامل در ۶۳۰ صفحه است که کتابت آن در سال ۸۸۹ یعنی در حیات مؤلف، در جامع الازهر به پایان رسیده است. مصحح می‌گوید نسخه دیگری هم در کتابخانه الازهر یافتم که آن نیز در زمان مؤلف نوشته شده (زیرا برای او آرزوی طول عمر کرده) ولی آسیب بسیار دیده و یک جا تا شصت صفحه آن غیرقابل استفاده است؛ پس تنها به‌عنوان نسخه‌بدل از آن استفاده کردم. مصحح به دو نسخه

جواهر العقود، منبعی ارزشمند برای تاریخ اجتماعی ۲۱۳

خطی دیگر، شامل جزء دوم کتاب نیز اشاره کرده است.^{۵۲}

این بخش با تشکر از تنی چند از دست‌اندرکاران نشر در مصر و مکه به پایان رسیده و امضا شده: «القاهرة، غرة رمضان المكرم سنة ۱۳۷۴ ق.، شهر إبریل سنة ۱۹۵۵ م.، وكتبه فقير عفو الله و رحمته، محمد حامد الفقي».

مصحح، در پاورقی‌های کتاب، برخی تلمیحات، اصطلاحات و دشواری‌های متن را شرح داده، نظرات فقهی خود را درباره برخی مسائل آورده، و تذکراتی را از دیدگاهی سلفی درباره برخی امور داده است.^{۵۳}

ب. چاپ دارالکتب؛ حدود چهل سال بعد، در سال ۱۹۹۶ م.، جواهر العقود با حروف چینی جدید، توسط انتشارات دارالکتب العلمیه، منتشر می‌شود. من «چاپ اول» آن را از نزدیک دیدم. اطلاعات بسیار محدودی درباره پدیدآوران به دست می‌دهد. روی جلد آن نوشته شده: «حَقَّقَهَا وَ حَرَجَ أَحَادِيثَهَا (تحقیق و یافتن منبع احادیث): سعد عبدالحمید محمد السعدنی». سپس در آغاز کتاب، مقدمه‌ای نیم‌صفحه‌ای با امضای «محمد امین الضناوی» آمده است که در آن نوشته است: کتاب جواهرالعقود که من کار آماده‌سازی آن را انجام دادم (الذی عملت علی ضبطه)، مانند باغی دلگشاست و بسیار مفید است. اما هیچ توضیحی نداده که این جواهر را از کجا یافته است. به احتمال قریب به یقین، تصحیح تازه‌ای در کار نیست، مقدمه و پاورقی‌های مصحح حذف شده‌اند و به ذکر منبع آیات و احادیث بسنده شده است. دلایل سیاسی را نمی‌دانم، اما ظاهراً این حذف، دلیل مذهبی ندارد؛ زیرا دارالکتب العلمیه، ناشری است که در کارنامه خود، علاوه بر آثار کلاسیک فقه و کلام مذاهب چهارگانه اهل تسنن، انتشار تعدادی از آثار کلاسیک سلفیان - به‌ویژه ابن تیمیه - در رد علم

^{۵۲} به امید یافتن دستنویسی از آن در ایران، دنا (دست‌نوشته‌های ایران) را دیدم. دو جواهر العقود دیگر در دنا ثبت شده، اما هیچ یک جواهر العقود مورد بحث ما نیستند. رک: مصطفی درایتی، فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، ج ۳، ص ۱۰۸۱.

^{۵۳} برای نمونه: پاورقی ج ۱، ص ۱۳۰ (در مخالفت با انوحیفه در جواز خرید آلات لهو)، ص ۶۶۴ (در مخالفت با روافض و برخی صوفیه)، و ص ۳۳۰ (در مخالفت با عنوان امام راتب در وقف‌نامه مسجد).

کلام و تشیع و تصوف را نیز دارد.^{۵۴}

ج. چاپ‌های دیگر؛ در فهرست کتابخانه‌های ایران (lib.ir) به جواهرالعقودی چاپ دارالیوسف بیروت (بی تاریخ) ثبت شده که در فیلد پدیدآور نوشته «ضَبَطُهُ و دَارَسَهُ محیی‌الدین العتیبی»؛ یعنی مرتب کردن و مطالعه از...». همچنین در جستجوی اینترنتی، عکسی از نسخه‌ای از جواهرالعقود، چاپ «المکتبه المکیه» دیدم که روی جلد آن نوشته بود: «أَعَدَّهُ لِلنَّشْرِ: ابوعاصم حسن بن عباس بن قطب» (آماده‌سازی برای انتشار). سایت و کاتالوگی از این دو ناشر نیافتم؛ در هر صورت بعید است که چیزی جز تکرار چاپ‌های پیشین داشته باشند.

در نتیجه، برای مطالعه جواهرالعقود، نخست همان چاپ قدیم (قاهره) توصیه می‌شود؛ سپس اگر به دنبال فرمت الکترونیک آن هستید، نرم‌افزارهایی چون مکتبه اهل بیت ۲ (بر اساس چاپ دارالکتب) سفارش می‌شود.